



روایت قالیباف از شکست نتانیاهو

محمداقرا قالیباف، رئیس مجلس روز گذشته در سخن علنی گفت: «جمهوری اسلامی ایران از هر ابتکاری برای پایان دادن به جنایات جنگی و نسل کشی در غزه که مورد حمایت مردم فلسطین باشد، حمایت می کند. آتش بس غزه، حکم شکستی بود بر برنامه های نخست وزیر کثیف رژیم صهیونیستی برای جبران شکست طوفان الاقصی. نتانیاهو برای اینکه بتواند احساس امنیت از دست رفته را به اشغالگران سرزمین فلسطین برگرداند، هدف های روشنی را اعلام کرد که مهم ترین آنها حذف حماس، آزادی آسرا با زور، کوچ اجباری و تخلیه غزه بود.» وی اضافه کرد: «بعد از دو سال نسل کشی، قحطی و کشتار زنان و کودکان، ایستادگی مردم غزه و حمایت همه ارکان محور مقاومت، باعث شد جهان در برابر این نازی های قرن ۲۱ بپاخیزد و در نهایت آمریکا و این رژیم مجبور شدند شکست را بپذیرند و آتش بسی را امضا کنند که به هیچ کدام از اهداف اعلام شده شان نرسیدند.»



مجلس CFT را بررسی می کند

حسنعلی اخلاقی امیری، نماینده مردم مشهد در مجلس در نشست علنی روز گذشته در تذکری شفاهی گفت: «از اینکه مردم غزه توانستند قلدرهای عالم را پای میز مذاکره بکشانند به مردم و جوامع اسلامی به ویژه جبهه پرافتخار مقاومت تبریک عرض می کنم. مجمع تشخیص مصلحت نظام باید شان والای خود را حفظ و پاسداری کند. تصویب CFT در این شرایط نه متناسب با شرایط بین المللی است و نه با شرایط داخلی سازگار است، همچنین اظهار نظر شخصی برخی از افراد در مجمع تشخیص در حوزه عفاف و حجاب هیچ توجیه مناسبی ندارد. امروز دشمن به دنبال ایجاد چالش بین مجمع تشخیص مصلحت نظام به عنوان منتخبان رهبری عزیز و مجلس شورای اسلامی به عنوان منتخبان مردم است؛ باید از این احساس باتدبیر پرهیز کرد.» حمیدرضا حاجی بابایی، نایب رئیس مجلس در پاسخ به تذکر این نماینده گفت: «با توجه به اهمیت موضوع CFT، مجلس روز سه شنبه با قیاد فوری در این رابطه اظهار نظر خواهد کرد.»



روحانی از ابتدا در جریان بود

علی شمخانی، دبیر اسبق شورای عالی امنیت ملی، در گفت وگویی مفصل با برنامه «ماجرای جنگ» به بررسی رویدادهای مهمی چون سانحه هواپیمای اوکراینی پرداخت. شمخانی در بخشی از این مصاحبه در پاسخ به پرسشی درباره سانحه پرواز اوکراینی گفت: «بعد از حادثه هواپیمای اوکراینی، سردار باقری با من تماس گرفتند و من در جریان قرار گرفتم و همان موقع به رئیس جمهور اطلاع دادم.» وی در پاسخ به این سوال که چرا وزیر امور خارجه وقت (محمدجواد ظریف) را در جریان قرار ندادید؟ افزود: «من وظیفه ای نداشتم به آقای ظریف هم اطلاع رسانی کنم.» دبیر اسبق شورای عالی امنیت ملی درباره تأخیر در اعلام خبر سقوط هواپیمای توسط ایران توضیح داد: «برخی ها می گفتند که اتفاق هواپیمای اوکراینی به دلیل جنگ الکترونیک آمریکا است و ما به دلیل بررسی دقیق حادثه با سه روز تأخیر خبر را اعلام کردیم.» شمخانی همچنین از حضور خود در مراسم خاکسپاری یکی از قربانیان این سانحه گفت و بیان کرد: «در مراسم خاکسپاری زوج در هواپیمای اوکراینی به بهشت زهرا رفتم و خانواده آنها بر خورد بدی با من داشتند اما من ناراحت نشدم.»

تدام وضع موجود؟

تحلیل و بررسی وضعیت تشکیلاتی اصلاح طلبان در آغاز سومین دوره جبهه اصلاحات ایران

هیئت رئیسه سوم خود را شناخته است؛ دوره ای که باید منتظر ماند و دید چه در انتظار ایران خواهد بود و این جبهه سیاسی در برابر آنچه بر سیاست و مردم ایران می گذرد؛ چه واکنشی نشان خواهد داد.

دوره سوم و نقدها

سومین انتخابات داخلی جبهه اصلاحات ایران، یک تفاوت آشکار با انتخابات سال ۱۴۰۲ در این جبهه دارد. در ابتدای دوره دوم رئیس (بهزاد نبودی) و نایب رئیس (حسین مرعشی) از ترکیب هیئت رئیسه جبهه جدا شدند اما در ابتدای دوره سوم، همان رئیس و نایب رئیس، دوره دوم در سمت خود ابقا شدند تا یک دوره دیگر با ریاست آذر منصوری و نایب رئیسی محسن آرمین اضافه شوند و البته در کنار آنها، حسن رسولی به عنوان نایب رئیس دوم معرفی شود. همین ابقا و عدم تغییر در رأس هرم جبهه اصلاحات، بهانه ای شده تا نقدهایی درباره دوره دوم و انتخابات دوره سوم در همین روزهای اخیر مطرح شود؛ نقدهایی که آنها را می توان در چهار مورد خلاصه کرد:

۱ موج اصلی این نقدها بیشتر از سوی رسانه های اصول گرا بوده و بر این محور قرار داشته که چرا رأس هرم هیئت رئیسه جبهه اصلاحات تغییر نکرده است. برای مثال، روزنامه فرهیختگان می نویسد: «اگر بزرگان اصلاح طلب نگران زنده شدن اصلاحات هستند، ضروری است اصلاحات ساختاری در جبهه اصلاحات را از بدنه این جبهه شروع کنند و اصلاحات را به جایگاه واقعی آن برگردانند و جلوی این را بگیرند که اصلاحات به تریبون و میکروفن بخشی از بدنه اصلاح طلبی تبدیل شود.»

۲ یکی دیگر از انتقادهای مطرح شده، به این موضوع اشاره دارد که عدم تغییر در رأس هرم جبهه اصلاحات نشان دهنده این است که رادیکالیسم در جبهه اصلاحات به کار خود ادامه خواهد داد. این موضوع در یادداشت هایی که روزنامه های خراسان، خبرگزاری دانشجو و روزنامه فرهیختگان



نگار - جدا

قرار داد، اما دومین دوره فعالیت این جبهه سیاسی را می توان دوره ای پیچیده تر از نظر رخ دادهای منجر به واکنش و تصمیم گیری سیاسی در مقایسه با دوره اول دانست؛ دوره ای که از سال ۱۴۰۲ شروع شد و در همان سال اول، انتخابات زودهنگام ریاست جمهوری را در پی داشت و در ادامه به وقایعی داخلی و فرامرزی منتهی شد که سرآمد همه آنها، بدون شک جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل بود و حالا جبهه اصلاحات ایران از هفته گذشته سومین دوره فعالیت خود را آغاز کرده و

فرهاد فخرآبادی

خبرنگار گروه سیاست

هر چند اولین دوره از فعالیت جبهه اصلاحات با حوادث پاییز ۱۴۰۱ و اعتراضات سراسری در کشور مصادف شد و این جریان سیاسی را در ماجرای سخت از جهت موضع گیری

نگاه منتقد

علی باقری فعال سیاسی اصلاح طلب:

جبهه اصلاحات باید نحله های مختلف اصلاح طلبی را پوشش دهد

به سایر اعضا، جوان نمی توان گفت. تحلیل تان از حضور کم رنگ جوان هادر ترکیب جبهه چیست؟

کلاً این دست به دست شدن اختیار فعالیت های سیاسی احزاب و تشکل ها در نسل های مختلف موضوع مهمی است که اگر به وجود نیاید، باعث میرایی آن جریان سیاسی می شود. این در کل حرف درستی است. منتهی من این ایراد را فقط نمی توانم به جبهه اصلاحات وارد کنم. جبهه چون مرکب از احزاب است، ما باید ببینیم در خود احزاب ما در کشور زایش و رویش وجود دارد و چقدر نسل های جدید در آنها وجود دارد. ایراد در این خصوص عمیق تر از این است که ما انگشت اتهام را به سمت جبهه دراز کنیم که انگار ما نیروهای فراوانی را در احزاب تربیت کردیم و این جبهه است که آنها را فیلتر می کند. به رغم اینکه اصل ایراد را وارد می دانم، اینجا می خواهم از جبهه دفاع کنم. من جبهه را آیینهای از وضعیت احزاب و فعالیت سیاسی در جامعه خدمان می بینم. از پایین وقتی آن تولید و زایش وجود ندارد، طبیعتاً همینطور به سمت بالا که می رویم، خودش را باز تولید می کند. البته شاید بتواند با عنایت بیشتر و با به کار بردن سیاست هایی مثل تبعیض مثبت، به جوان ها و زنان نقش بیشتری را داد ولی به نظر مشکل اصلی در همان عدم زایش است که در یک سطحی به موانع سیاست ورزی در جامعه ایران برمی گردد که جای بحث مستقی را دارد.

۴ در دوره جدیدی که برای جبهه اصلاحات شروع شده است، ما انتخابات شوراهای شهر را در پیش داریم و همچنین سال ۱۴۰۶ که باید مقدمات حضور در انتخابات مجلس فراهم شود. ادامه راه جبهه اصلاحات را چطور ارزیابی می کنید؟ آیا با همان روش دو سال گذشته باید به راه ادامه داد یا اینکه نیاز به تغییر دارند؟

من در پاسخ به این سوال، ابتدا تقدم را درباره دو سال گذشته در بحث انتخابات می گویم. درباره دو سال گذشته، نقد من به رویکرد انتخاباتی جبهه اصلاحات از این زاویه ای است که به آن اشاره خواهم کرد. در دو سال گذشته، دو انتخابات در کشور رخ داد که دو موضع کاملاً متفاوت از جبهه اصلاحات را مشاهده کردیم که فاصله این دو انتخابات از هم خیلی کم بود. البته احتمال دارد که تصمیم گیرندگان محترم در جبهه اصلاحات چنین فرضی را مطرح کنند که این دو انتخابات با دو مؤلفه مختلف برگزار شد که باعث شد در یکی موضع عدم مشارکتی و در دیگری موضع مشارکتی گرفته شود. منتهی من به عنوان ناظر بیرونی، نگاهم اینطور است که بین

همه اصلاح طلبان با گرایش های مختلف اصلاح گری باشد. اگر بخواهم وارد فاز نقد شوم، به نظر در این زمینه توفیق کاملی نداشته و مجموعه ای که الان در داخل جبهه اصلاحات صدایش شنیده می شود، یک صدای واحد مربوط به یک گرایش خاص در جبهه اصلاحات است و نحله های دیگر یا حضور ندارند و یا حضور غیر موثر دارند. نکته دوم این است که وقتی ما می گویم جبهه، متشکل از چندین حزب و شخصیت سیاسی می شود، باید به یک نکته توجه داشته باشیم. جبهه و کار جبهه ای، یک ساختار و تعریف مشخص دارد. تفاوت جبهه با حزب اینجاست که حزب مجموعه ای است که در مسائل ریز مربوط به اداره کشور و جامعه و ارائه تحلیل درباره مسائل مختلف داخلی و خارجی اظهار نظر می کند اما جبهه مجموعه ای از اجزا است که به رغم اختلافات، پیرامون نقاط مشترک خاص و یا رویداد سیاسی مشخصی در کنار هم قرار می گیرند و تشکیل جبهه می دهند و ماهیت فردی خودشان را دارند. به بیان دیگر، جبهه ها مجری سیاست ورزی های حداقلی هستند که پیرامون نقاط خاصی شکل می گیرند اما اگر جبهه، تبدیل به یک شخصیت دائمی شد و درباره همه مسائل اظهار نظر کرد، این به ماهیت حزبی نزدیک می شود. به این شکل کارکرد اجزا مجموعه، تقریباً کم رنگ می شود. شما اگر در موضع گیری های مهم جبهه در دو سال گذشته نگاه کنید، خواهید دید که این مواضع، مواضعی است که از جبهه به حزب می رود؛ یعنی ابتدا جبهه موضع گیری می کند و بعد احیاناً، پیرامون موضع گیری جبهه، برخی از اعضا به دفاع از آن موضع می پردازند. اینها حاکی از این است که جبهه می تواند ماهیتش را با پرداختن به سیاست ورزی حداکثری از دست بدهد و تبدیل به یک حزب شود. البته این ایرادی ندارد و شاید یک حُسن باشد که یک حزب فراگیر تشکیل شود که برخی از احزاب کوچک تر در آن قرار بگیرند منتهی دیگر اسمش جبهه نیست.

۴ در بحث ساختار، به نحله های مختلف اصلاح طلب اشاره کردید. در کنار این نحله ها، ما نسل های مختلف و جوان های اصلاح طلب را هم داریم که در ترکیب جبهه اصلاحات به جز یک نفر،

